

دختر گاليله

داوا سويل

ترجمه هنگامه عارف نيا



قصيده سرا



قصیده سرا

دختر گالیله

تألیف: داوا سوبل

ترجمه: هنگامه عارف‌نیا

طرح جلد: محسن سعیدی

چاپ اول: ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

این چاپ محفوظ است.

۵۵۰۰ تومان

پست الکترونیک: ghasidehsara@gmail.com

سوبل، داوا، ۱۹۴۷ - م.

دختر گالیله / داوا سوبل؛ ترجمه هنگامه عارف‌نیا. - تهران:

مهر، قصیده سرا، ۱۳۸۴.

۴۸۰ ص. ISBN 978-964-523-976-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: Galileo's daughter: a historical memoir of:

science, faith, and love.

۱. گالیله، گالیله نو، ۱۵۶۴-۱۶۴۲ م. - ۱۶۳۴ م. - ۲ ها.

گالیله، ماریا چلسته، ۱۶۰۰-۱۶۳۴ م. Galilei, Maria Celeste -

نامه ها. ۳. متجمان ایتالیایی - سرگذشت نامه. ۴. راهبه ها - ایتالیایی -

سرگذشت نامه. الف. عارف‌نیا، هنگامه، ۱۳۳۹ -، مترجم. ب. عنوان.

۵۲۰/۹۲

QB۳۶/گ۲

۱۳۸۳

۸۳-۲۹۰۵۶ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست

۱۱	درباره نویسنده
۱۷	بخش اول: به سوی فلورانس
۱۹	فصل اول: او که بسیار برای ارزشمندی
۱۹	پدر بلندآوازه‌ام
۳۱	فصل دوم: گیتی این کتاب باشکوه
۳۲	شجره‌نامه خاندان گالیله
۴۷	فصل سوم: ستارگان تابناک از فضیلت شما سر می‌کشند
۶۲	فصل چهارم: شناساندن حقیقت
۷۸	فصل پنجم: در چهره خورشید
۹۳	فصل ششم: وصی مؤنث به جای آورنده فرمانهای خداوند
۱۰۰	فصل هفتم: خیانت مفتنین
۱۲۴	فصل هشتم: حدس در میان سایه‌ها
۱۴۱	بخش دوم: بلاسگاردو
۱۴۳	فصل نهم: چگونه پدرمان مورد لطف قرار می‌گیرد
۱۴۳	پدر بلندآوازه‌ام

فصل دهم: خود را به خدمت تو مشغول می سازم. ۱۵۶

پدر عزیز و بلند آوازه ام ۱۶۲

پدر عزیز و بلند آوازه ام ۱۶۹

فصل یازدهم: آنچه ما بیش از هر چیز نیاز داریم ۱۷۱

پدر بزرگوار و بلند آوازه ام ۱۷۶

فصل دوازدهم: به خاطر شور و اشتیاقمان ۱۸۳

پدر عزیز و بلند آوازه ام ۱۸۵

فصل سیزدهم: خاطره من از فصاحت و بلاغت سخن شان ۱۹۵

پدر بزرگوار و بلند آوازه ام ۲۰۵

فصل چهاردهم: جسم کوچک و بی اهمیت ۲۰۸

پدر بسیار عزیزم ۲۱۷

فصل پانزدهم: در مسیر درست با التفات پروردگار ۲۱۹

پدر بسیار عزیز ۲۲۳

فصل شانزدهم: تدبیر باری از عذابیهای ما ۲۳۴

پدر بسیار عزیزم ۲۳۹

بخش سوم: در رم ۲۴۷

فصل هفدهم: حال که سعی در جایزانه ساختن آوازه تان دارید ۲۴۹

فصل هیجدهم: حال که خداوند با این تازیانه ما را مجازات می کند ۲۶۱

پدر بسیار عزیزم ۲۶۱

فصل نوزدهم: امید بودن شما در کنارم برای همیشه ۲۷۲

فصل بیستم: برای چاپ این کتاب باید به من التماس شود ۲۸۶

بخش چهارم: قرار گرفتن تحت مراقبت سفارت توسکان، ایتالیا

مدیسی، رم ۳۰۱

فصل بیست و یکم: چه اوقات پراضطرابی را در انتظار شنیدن خبری

از شما می گذرانم ۳۰۳

پدر بسیار عزیز و بلند آوازه ام ۳۰۸

فصل بیست و دوم: در اقامتگاه مجمع تفتیش عقاید ۳۱۶

پدر بسیار عزیز و بزرگوارم ۳۱۶

فصل بیست و سوم: جاه طلبی از روی تکبر، جهل تمام عیار و	
بی مبالائی.....	۳۳۲
پدر بسیار عزیز و بلند آوازه ام.....	۳۳۶
فصل بیست و چهارم: توکل به شمایل معجزه گر مریم مقدس.....	۳۴۳
فصل بیست و پنجم: قضاوت انجام شده بر روی کتاب و شخص شما ..	۳۵۴
پدر بسیار عزیز و بلند آوازه ام.....	۳۶۰
بخش پنجم: در سینما.....	۳۶۵
فصل بیست و ششم: نمی دانم چگونه از دادن کلیدها به او خودداری	
کنم.....	۳۶۷
پدر بسیار عزیز و بلند آوازه ام.....	۳۷۰
فصل بیست و هفتم: ویرانی وحشتناک در عید سان لورنزو	۳۷۳
پدر بسیار عزیز و بزرگوارم.....	۳۷۴
پدر عزیز و بزرگوارم.....	۳۸۲
فصل بیست و هشتم: از برهانی سرودهای توبه آمیز.....	۳۸۵
پدر بسیار عزیز و بزرگوارم.....	۳۹۳
فصل بیست و نهم: کتاب زندگی یا اسیری که در سرزمین خویش	
مورد استقبال قرار می گیرد.....	۳۹۶
پدر بسیار عزیز و بزرگوارم.....	۴۰۰
بخش ششم: از آرچتری.....	۴۱۱
فصل سی ام: روح من و آرزوهایش	۴۱۳
فصل سی و یکم: تا وقتی که از زبان خودتان بشنوم.....	۴۲۲
پدر بسیار عزیزم.....	۴۲۵
فصل سی و دوم: مادامی که تلاش می کنم تا بفهمم.....	۴۳۳
فصل سی و سوم: خاطرات شیرین	۴۴۳
در عصر گالیله.....	۴۵۹
نامها و نشانها.....	۴۶۹

داوا سون با الهم از جاذبه دیرینه‌ای که برگرفته از شخصیت گالیله است و با کمک نام‌های استثنائی برجای مانده از دختر گالیله، شرح حال متفاوت انسانی را بر روی کاغذ آورد. است که آلبرت اینشتین «پدر فیزیک مدرن یا در واقع پدر علم جدید مینماید».

گالیلئو گالیله‌ای (۱۶۴۲-۱۶۴۲) سر یک موسیقیدان بود. او هرگز ایتالیا را ترک نگفت. اما خبر اختراعات و کشفیاتش در تمام نقاط دنیا بازتاب داشت.

تلسکوپهایش به طرزی فوق‌العاده، این امکان را برایش فراهم می‌ساختند که واقعیتهای تازه را در افلاک بر ملا کند و بحث حیرت‌انگیز حرکت زمین به دور خورشید استحکام بخشید.

اما گالیلئو برای ابراز این عقیده، در مقابل مجمع مفت‌بر، نباید قرار گرفت و با اتهام به ارتداد، مجبور شد که آخرین سالهای زندگی‌اش را تحت بازداشت خانگی سپری سازد.

از سه فرزند نامشروع گالیلئو، بزرگترین آنها منعکس‌کننده هوش و ذکاوت، سختکوشی و نازک‌طبعی او بود و به واسطه همین ویژگیها محرم رازش شد. ویرجینیا در سال ۱۶۰۰ متولد شد و سیزده ساله بود که گالیله او را در صومعه‌ای نزدیک به خانه‌اش در فلورانس گذاشت. در همین

مکان بود که ویرجینیا شایسته‌ترین نام را برای خود برگزید: خواهر، ماریا چلسته.

در سراسر سالهای ثمربخش و پرهیاهوی زندگی گالیلئو، یاری محبت‌آمیز ماریا چلسته به پدر، او را بدل به بزرگترین سرچشمه استقامت و استحکام کرد. سوبل نامه‌های ماریا چلسته را از اصل ایتالیایی ترجمه کرده، بسیار استادانه در قالب داستان به رشته تحریر درآورده است. ناآوی وجود دختر گالیله در این نامه‌ها هم‌اکنون نیز بسان آن زمان زینت‌بخش زندگی پدرش است.

در حرکت بین زندگی اجتماعی گالیله و جهان تنهای ماریا چلسته، سوبل به شرح دادن مدیچی در فلورانس و دربار پاپ در رم، طی دوره‌ای اصلی و تعیین‌کننده از تاریخ می‌پردازد. زمانی که درک و بینش نوع بشر از موقعیتش در عظام هستی، زیر و رو شد و مردی در جستجوی آن بود تا بین خدایی که به عنوان آن توانکی معتقد تکریمش می‌کرد و آسمانی که با تلسکوپ به نمایش می‌گذاشت سازگاری به‌وجود آورد. شور و هیجان و حوادث علمی که کتاب *عول جغرافیایی* را ممتاز می‌ساخت، از دختر گالیله نیز داستانی فراموش‌نشدنی پدید آورده است.